

تهیه و ترتیب گزارش: ا. ق. عدالت

۲۳ جنوری ۲۰۱۵

در باره عربستان سعودی

بخش یکم



ملک عبدالله " پادشاه " [کمپنی خانواده آل سعود]، عربستان سعودی، ضد بشری ترین حاکمیت در سیاره ما، و اوپاما رئیس جمهور رژیم جنگ افروز و استعمارگر و اشنگتن، که ریکارد جهانی را در قتل عام غیرنظامیان جهان، و از جمله کشور ما افغانستان را، قایم نموده است، باهم راز و نیاز دارند

پادشاهی عربستان سعودی، در سالهای جنگ جهانی اول و بعد از آن که ایالات متحده آمریکا، در نقش امپراتوری جهانی جای انگلیس را گرفت، در شکل گیری و تقویت حاکمیت آل سعود نقش بنیانی را تا اکنون ایفا نموده است. امریکا از این کشور در تربیت، ترویج و تسلیح بنیاد گرانی اسلامی و تروریسم از صد سال بدینسو به صورت بسیار موثر، برای برآورده شدن مقاصد سیاسی، جیو پولیتیک، و تحکیم سیطره جهانی خویش استفاده نموده است. همانطوری که کمپنی خاندان آل سعود در نقش حکومت، با استفاده از مذهب، بدون چون و چرا با هفت هزار شاهزاده و هفت هزار مسجد، بالای مردم عربستان حاکمیت میرانند، دولت ایالات متحد امریکا نیز با استفاده از نام " دموکراسی " صادراتی مرگبارش، بدون پرسش با این رژیم سر کوب گر، منشأ و جای گاه اصلی تروریسم بین المللی بیش از یک قرن است که باهم عهد مودت بسته و دارند جهان را به طرف یک جنگ جهانی می کشانند.



در سال 1973 میلادی، سالهای آغاز بحران ساختاری امریکا است. و در فو توئی با لا از چپ به راست هنری کیسنجر وزیر خارجه وقت امریکا و ملک فیصل شاه عربستان سعودی مشاهده میشود. این درست زمانی است که ارزش دالر از معادل وپشتوانه طلای آن جدا ساخته شده و نفت جای آنرا میگیرد. امریکا با فشار و تهدید نظامی عربستان را وا میدارد تا نفت خویش را به دالر وپول های آن در بانک های امریکا ذخیره کند، و این آغاز دوران پترو دالر است

خانم کارن الیوت هاوس، قبلاً خبر نگار و استاد دانشگاه هاروارد، بعد از سالها تحقیق، کتاب جالبی در مورد عربستان سعودی، که دارای 13 فصل است نوشته که واقعاً خواندنی است.

در تبصره که خانم هاوس در زیر عکس فوق نوشته چنین میگوید: " نفت در روابط عربستان سعودی - امریکا نقش سرش (چسپ) را داشته است. درین ملاقات کیسنجر، به شاه فیصل اخطار نمود که در صورت تحریم دولت عربستان برای صدور نفت به امریکا، منتظر نتایج پیش بینی نشده آن باشد.

خانم کارن الیوت هاوس، در مقدمه کتابش میگوید: " وقتی 35 سال قبل، اولین بار، به حیث خبرنگار دیپلوماتیک وال استریت ژورنال وارد عربستان شدم، نقش پادشاهی عربستان در شرق میانه، روی مسایل که امنیت امریکا را متأثر میساخت، مسایل صلح عرب و اسرائیل، جنگ ایران - عراق، جنگ خلیج و تولید نفت و مسئله قیمت نفت، در مرکز توجه ام قرار داشت. عربستان سعودی برایم اهمیت داشت و مردم عربستان سعودی برایم چندان اهمیت نداشتند.

بعد از گذشت دهه ها، زمانی که که من با مردم معمولی سعودی آشنا شدم، کاملاً از نقش منفی مردم در برابر قوانین که توسط علمای دینی، شیخ ها و مدرسین و حاکمان آل سعود شان، که از سه قرن بدینسو به وقفه هابالای شان حکومت نموده، وضع گردیده و بدون چون وچرا از آن اطاعت مینمودند، حیران شدم. از خود پرسیدم.... وبعدا گفتم، نه این مردم (ملت عربستان سعودی)، در زیر شلاق ظلم و استبداد برده گی، زندگی دارند."

قابل تذکر است که خانم موصوف در زمانش رکنی از یک نظام تباه کن بوده مگر به حکم وجدانش، و از همه اولتر بحیث یک زن، یقیناً بر خلاف میل حاکمیت و اشنگتن، چهره واقعی و ددمنش رژیم آل سعود و اشنگتن را افشاء نموده است.

مازیار کاکوان بخوبی محتوی کتاب: " در باره عربستان سعودی" را توضیح نموده و می گوید که این کتاب در همچو شرایط شناخت ما را از عربستان سعودی و دیگر کشورهای جنوب خلیج بیش از پیش بلند برده و مسئله بنیاد گرایی اسلامی، تروریسم و ریشه های پیدایش آنرا برای ما بر ملا میسازد.

خواندن این مقاله مختصر و موجه معلومات موثر و مفیدی را برای ما ارایه میدارد. پیشنهاد مینمایم تا علاقمندان سایت حتماً این نبشته را بخوانند.

معرفی کتاب: "درباره عربستان"؛ از مازیار کاکوان:

«درباره عربستان سعودی (On Saudi Arabia)»، کتابی است از خانم کارن الیوت هاوس، برنده جایزه پولیتزر، که در سال 2012 توسط انتشارات Alfred A. Knopf در نیویورک منتشر شده است. این کتاب گزارشی است تحلیلی از جامعه عربستان؛ جامعه ای پیچیده در لفاف لباده های بلند و سنت های سخت جان و سنگین گذر.

این کتاب ثمره پنج سال غور و غواصی نویسنده در اعماق آب های راکد این دریاست. پژوهشگر یک زن است و موضوع پژوهش، جامعه ای بشدت مردسالار. شاید در نگاه نخست، تحقق چنین تحقیقی ناممکن بنماید، اما برعکس، زن بودن نویسنده برگه عبوری است برای ورود به اندرونی خانه ها و خیمه ها و هم نشینی و هم سخنی با محروم ترین لایه اجتماعی این جامعه. جامعه ای که طی سده ها و اعصار بر پایه استیلای قبایل، شیوخ و شریعت شکل گرفته است؛ «برزنان، مردان حکم می رانند و بر مردان، الله.»

در تارهای درهم تنیده سنت و شریعت نه تنها زنان، که مردان نیز اسیرند و فردیت آدمی نیز اعتنائی بر نمی انگیزد. جامعه ای در کلیت خود محصور در دیوارهای بلند احکام پرشش ناپذیر شرع، استبداد رای شیوخ و ملاحظات مزاحم سنتی است. سیطره این سه عامل چنان است که می توان گفت: توان ابتکار، نوآوری، نقد، خطرپذیری و اعتماد بنفس در این جامعه هنوز ناچیز است.

کارن هاوس بر آن است که دستیابی عربستان در دهه های اخیر به منابع عظیم ثروت نفت، اگرچه بر اهمیت نقش این کشور در تحولات منطقه و جهان افزود، اما این تاثیر بخاطر نگرش فرهنگی- سیاسی حاکم بر این کشور زیان بار بوده است. «موقعیت استراتژیک عربستان به ایالات متحده آمریکا امکان داد که طی 13 سال (2003 - 1990)، دو جنگ در منطقه خلیج فارس به راه اندازد.»

حاکمیت سیاسی عربستان در حدود یک سده پیش شکل گرفت؛ محمد آل سعود رئیس یکی از قبایل عرب، با تمسک به تعلیمات بنیادگرایانه محمد بن عبدالوهاب موفق شد قبایل پراکنده و دائم در ستیز عربستان را گرد هم آورد. این اتحاد سیاسی- مذهبی که وهابی گری و جهاد اسلامی ایدئولوژی آن بود، پایه مشروعیت رژیم آل سعود در عربستان شد. حکومت آل سعود در سال 1932 توسط ملک عبدالعزیز

شکل نوینی بخود گرفت. پیوند سیاسی نهادهای قبیله‌ای و دینی به برکت ثروت نفت و تولیت اماکن مقدسه، موقعیت ایدئولوژیک - سیاسی رژیم آل سعود را تقویت کرد و بازار هر دو نهاد (خاندان حکومتی و دستگاه دینی) را رونق داد. عبدالعزیز از 300 زن خود 44 پسر و دهها دختر داشت و فرزندان و نوادگان او تا امروز به 7 هزارتن رسیده‌اند. کشوری با 19 میلیون جمعیت و هفت هزار پرنس! و تنها نیروی سازمان‌یافته دیگر، که در ساختار حاکمیت عربستان وجود دارد، دستگاه دینی آن تحت رهبری روحانیان متعصب و هابی است که 70 هزار مسجد در سراسر کشور را اداره می‌کنند. به تعبیری، عربستان سعودی امروز کشوری است متکی بر شبکه‌ای از 7 هزار شاهزاده و 70 هزار مسجد.

همه مسئولیت‌های مهم حکومتی (در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و اطلاعاتی) تا سطح اداره استان‌های 13گانه کشور، در اختیار "شاهزادگان" است. عربستان، به قول نویسنده کتاب «اساساً یک شرکت عظیم خانوادگی است؛ شرکتی به ثبت رسیده بنام موسسه اسلامی آل سعود.»

فصل مهمی از کتاب کارن هاوس بررسی وضع زنان عربستان و نقش خفقان‌بار احکام شرع (و نه تنها شرع، بلکه عرف نیز) علیه این قشر اجتماعی است.

«در میان همه اختلافات اجتماعی موجود در عربستان، هیچ یک ژرف تر و فاجعه بارتر از تبعیض علیه زنان نیست. طبق شعائر اسلام و هابی؛ مردان باید از الله اطاعت کنند و زنان از مردان. اما مساله این است که خدا از دسترس دور است و کاری به چند و چون اطاعت روزمره مردان ندارد، اما زنان در دسترس‌اند و آنها را از اطاعت مدام گریزی نیست... یک پدر بر همه وجوه زندگی دخترش سلطه دارد تا روزی که او را به دست سلطه‌گر دیگری که شوهر آینده اوست، بسپارد.»

نویسنده گستره این محرومیت‌ها را دردمندانه می‌کاود؛ از حجاب اجباری که گویی با هویت زن عجین است تا محرومیت از حق کار در کنار مردان (نامحرم) در واحدهای تولیدی و خدماتی، حق رانندگی و حتی حق شرکت در نماز جماعت. "زنان باید نماز خود را در چاردیواری خانه بخوانند و اجازه حضور درمسجد را ندارند." هرگونه تخلف از این موازین توسط کمیته امر به معروف و نهی از منکر و بازوی اجرایی آن مطوعه (پاسبانان شرع) سرکوب می‌شود.

کارن هاوس، حادثه دردناکی را نقل می‌کند:

«در سال 2002 اقدام ننگ‌آمیز پلیس شرع (مطوعه) موجب مرگ 14 دختر در آتش‌سوزی یک مدرسه شد. پلیس شرع مانع خروج دخترانی شد که سراسیمه از بیم آتش به بیرون می‌گریختند. آنها بزور به داخل مدرسه بازگردانده شدند و در آتش سوختند. چون هنگام فرار حجاب کامل نداشتند.»

ادامه دارد